

واکاوی ادراک و انتظارات دانشجویان کشاورزی از اشتغال پذیری رشته های کشاورزی در دانشکده های کشاورزی غرب کشور

شهرزاد بارانی^۱ و امیر حسین علی بیگی^{۲*}

۱، دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، ۲، دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی و عضو مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی اجتماعی دانشگاه رازی (تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۱۸ - تاریخ تصویب: ۸۹/۱۰/۲۹)

چکیده

این مطالعه‌ی توصیفی-همبستگی، با هدف کلی واکاوی ادراک و انتظارات دانشجویان کشاورزی از اشتغال پذیری رشته های کشاورزی در دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور انجام شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش را دانشجویان سال آخر گرایش‌های مختلف دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور (شامل: کردستان، کرمانشاه، ایلام، همدان و لرستان) تشکیل دادند (N= ۹۷۹). حجم نمونه با استفاده از جدول Bartlett et al. (2001) ۲۷۴ نفر تعیین گردید. از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. بر اساس یافته‌ها، میزان اشتغال پذیری ادراک شده ی دانشجویان کشاورزی از رشته‌ی خود، در حد متوسطی ارزیابی گردید. بین سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه، انتظارات تحصیلی، دیدگاه دانشجویان نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود و میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی آنان با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار و بین طبقه‌ی اجتماعی با متغیر مذکور، رابطه‌ی منفی و معنی‌داری به دست آمد. برنامه‌ریزی و سازماندهی، توانایی کار با اینترنت، سواد اطلاعاتی، سواد رایانه‌ای، آشنایی با ابزار تولید و اشاعه دانش، درک موضوعات بین‌المللی، کارآفرینی، آگاهی سازمانی، آشنایی با زبان انگلیسی و تجربه‌ی شغلی از جمله مهارت‌هایی بودند که میزان وجود آن‌ها در دانشجویان در حد کمی برآورد شد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال پذیری، دانشجوی کشاورزی، مهارت آمادگی شغلی، انتظارات تحصیلی.

مقدمه

اشتغال پذیری^۱ در دهه گذشته به عنوان یک مفهوم اصلی در سیاست های بازار کار بین المللی شناخته شده است و یکی از چهار ستون راهبردی اشتغال در اروپا را

تشکیل می دهد (کارآفرینی، اشتغال پذیری، فرصت‌های برابر بین زنان و مردان جوان و ایجاد شغل) (McQuid & Lindsay, 2005). این مفهوم به عنوان شکلی از سازگاری فعال در یک شغل ویژه، شکل گرفته است که افراد را در شناسایی و تشخیص فرصت‌های شغلی توانمند می سازد. در دهه‌های گذشته از قرن بیستم، با

1. Employability

نیروهای دانش آموخته، امکان حضور تأثیر گذار در بخش کشاورزی را پیدا نموده‌اند.

وجود نارسایی‌های اثرگذاری چون موارد فوق و ناآگاهی نظام آموزش کشاورزی و برنامه ریزان و تدوین‌گران آن، از اشتغال‌پذیری رشته های کشاورزی، خصوصاً از دیدگاه دانشجویان به عنوان مخاطبان اصلی و خروجی‌های نظام آموزش عالی کشاورزی که نقش مؤثری در ارزیابی عملکرد آموزش عالی و بهبود و اصلاح برنامه‌های آن دارند، ما را به سمت انجام این پژوهش هدایت نموده‌اند. لذا، توجه به نتایج این پژوهش، نه تنها می‌تواند در پژوهش های آتی به بسیاری از برنامه‌ریزان و توسعه گران کشور کمک نماید، بلکه، در قالب یک تصویر کلی برای دانشکده های کشاورزی غرب کشور به منظور سنجش میزان موفقیت آن‌ها در آمادگی دانشجویان خود و میزان اشتغال پذیری رشته های کشاورزی مورد استفاده قرار گرفته و می‌تواند آن‌ها را به منظور بهبود راهبرد های خود در جهت ارتقاء اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی تشویق و ترغیب نماید. از طرفی، این پژوهش اهمیت مبحث اشتغال پذیری را که مفهوم ناشناخته ای خصوصاً در کشور های در حال توسعه است و پیش از این اکثر تحقیقات مرتبط با آن معطوف به کشور های اروپایی و آمریکایی می‌شد، در کشورمان ایران برجسته تر ساخته و توجه مؤسسات آموزش عالی را به سنجش اشتغال پذیری رشته های خود و توسعه ی فرصت های افزایش آن متمرکز خواهد نمود. چرا که می‌توان گفت امروزه یکی از مهمترین شیوه های سنجش میزان موفقیت دانشگاه ها در تربیت دانش آموختگان، بررسی و واکاوی میزان اشتغال پذیری آن‌ها است. اشتغال پذیری، توانایی و ظرفیت نسبی یک فرد برای دستیابی و حفظ یک شغل ارضا کننده و ارزشمند و شناسایی پتانسل ها و استعدادهای خویش از طریق اشتغال پایدار است (Hillage & Pollard, 1998). این مفهوم به عنوان شکلی از سازگاری فعال در یک شغل ویژه، شکل گرفته است که افراد را در شناسایی و تشخیص فرصت های شغلی توانمند می‌سازد (Fugate et al., 2004). در تحقیقات بسیاری به مؤسسات آموزش عالی توصیه شده است که تلاش بیشتری را به توسعه ی مهارت های «عمومی»، «آمادگی شغلی»، «قابل انتقال»،

ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش و جهانی سازی، ساختار اقتصادی کشور ها به سرعت شروع به تغییر نموده است (Tome, 2007). فراگیری دانش، پردازش و انتقال آن، از اهمیت اصلی در اقتصاد دانش محور امروزی برخوردارند با این تصور که ساختار و تولید قابلیت های شخصی نیازمند به روز آوری دایمی نیروی کار انسانی است، و این احتیاجات پیچیده اغلب در مفهوم «اشتغال پذیری» رمزنگاری شده است (Morley, 2007). تغییر جهت های اخیر در امر آموزش و سیاست بازار کار به موجب ظهور اقتصاد دانش محور جدید، منجر شده است که دانشگاه ها تحت فشار زیادی به منظور تربیت دانش آموختگان اشتغال پذیر، قرار گیرند (Bridgstock, 2009).

آموزش عالی ایران نیز در طول حیات نوین خود، با چالش ها و نیاز ها و تغییرات متعددی روبرو بوده است و هم اکنون با توجه به تحولات جهانی که توانسته و می‌تواند جامعه ایران را نیز تحت الشعاع خود قرار دهد (از جمله ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش) رسالت ها و خط مشی هایی را برای خود بر مبنای آینده نگری برای ایران ۱۴۰۰ مد نظر قرار داده است (Momeni Mahmui, 2008) که تحقق یافتن آن‌ها نیازمند توجه به مبحث اشتغال پذیری است.

با وجود این، شاید اهمیت کنونی اشتغال پذیری به عنوان یک هدف فراگیر برای سیاست های ملی و فرا ملیتی، به دلیل توجه به بحران بیکاری است (McQuid & Lindsay, 2005). حل این مشکل، سیاستگذاران غالب کشورها را با چالش های بزرگی روبرو ساخته است (Salehi & Baradaran, 2006). این مسئله در کشور ما با شرایط حادثتری روبرو است: بر اساس آمار سالانه ۲۷۰ هزار دانش آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند، اما ظرفیت بازار جوابگوی این تعداد نیست (Azizi & Hoseyni, 2006). حادثر از آن زمانی است که بدانیم، نرخ بیکاری در بین ۱۴۷ هزار دانش آموخته ی دانشگاهی کشاورزی بر اساس آمار سال ۱۳۸۰، ۲۸ درصد گزارش شده که دو برابر نرخ بیکاری در بین سایر توده های بیکار و همچنین بالاترین نرخ بیکاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی است (Jalali, 2003). این وضعیت ضمن بازگویی شرایط نگران کننده اشتغال دانش آموختگان کشاورزی به منزله آن است که

آموزشی کشاورزی به طور موفقیت آمیزی دانشجویان را با مهارت های مورد نیاز برای مشاغل کشاورزی آماده کرده است. این یافته ها، بیانگر قوت و تأثیر دوره های آموزشی کشاورزی در آماده سازی اشخاص برای مشاغل کشاورزی بوده است.

بر اساس تحقیق Pezeshki Rad et al. (2005) مشخص گردید رابطه ی مثبت و معنی داری بین زیر ساخت ها، توانایی تدریس آموزشگران و اساتید، روش های تدریس و محتوای آموزشی از لحاظ دانش، نگرش و مهارت با توانمندی شغلی دانش آموختگان وجود داشته است. در حالی که هیچ گونه رابطه ی معنی داری بین متغیر های سن و معدل با توانمندی شغلی آنان به دست نیامده است. پیشنهاد اصلی این پژوهش، این بود که اشتغال پذیری بیش از گذشته، بایستی مأموریت اصلی یک مؤسسه ی آموزشی به شمار آید. Mirkamali (1993) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که توانمندی اجرایی دانش آموختگان در رشته های مختلف از نظر خودشان و کارفرمایان، بالاتر از ۶۹/۳ درصد است. نکته ی قابل توجه در این پژوهش این است که پژوهش مذکور در زمان رونق اقتصادی کشور (سال های ۶۸-۷۲) و بالا بودن تقاضای مؤثر برای نیروی انسانی متخصص انجام گرفته است که تا حدودی بر نتایج این پژوهش، تأثیر گذاشته اند.

Moreau & Leathwood (2006)، با انجام مطالعه ای، ارزیابی دقیقی را از «بیانیه^۱ اشتغال پذیری» انجام دادند. آن ها اظهار داشتند با آن که مهارت های دانش آموختگان و ویژگی های شخصی آنان، کلیدی برای موفقیت آن ها در بازار کار است، اما، طبقه ی اجتماعی، جنسیت، قومیت، سن، ناتوانی و دانشگاه همگی بر فرصت های موجود اثر خواهند داشت. در مطالعه ی Rothwell et al. (2008) نیز میزان اشتغال پذیری ادراک شده ی دانشجویان در حد متوسط ارزیابی شد و مشخص گردید که بین اشتغال پذیری ادراک شده ی دانشجویان از نظر دانشکده ی محل تحصیل، سن و جنسیت، به استثنای طبقه ی اجتماعی، تفاوت معنی دار وجود دارد. سن، دانشکده ی محل

«اصلی» و یا «کلیدی» اختصاص دهند (Gurcharan Singh & Garib Singh, 2008). از این رو، می توان به خوبی درک کرد که صلاحیت های اصلی، یکسری صلاحیت ها و مهارت های عمومی هستند که توسط Jacobsen (1993)، به عنوان مهارت های موفقیت در کارکنان توصیف می شوند و برای انتقال یادگیری از کلاس درس به محل کار جهت برآوردن تقاضاهای کاری، مورد نیاز می باشند. در واقع این مهارت ها، مهارت های «آمادگی شغلی» بوده که برای کاربرد دانش استفاده می شوند و در بین مشاغل عمومیت دارند (Kamsah, 2008). Mason et al. (2009) دریافتند که تجربه ی کاری و مشارکت کارفرما در طراحی و ارزیابی دوره های آموزشی، اثرات مثبت واضحی را بر توانایی دانش آموختگان به منظور تأمین و حفظ شغل در کار های متناسب با رشته ی تخصصی آن ها داشته است. کمیته ی ملی تحقیق در آموزش عالی انگلستان نیز، به ریاست لورد دیرینگ^۲، اهمیت آموزش برای اشتغال پذیری را، با تأکید بر توسعه ی مهارت های کلیدی و تجربه کاری مورد تأیید قرار داده است (Harvey, 2000).

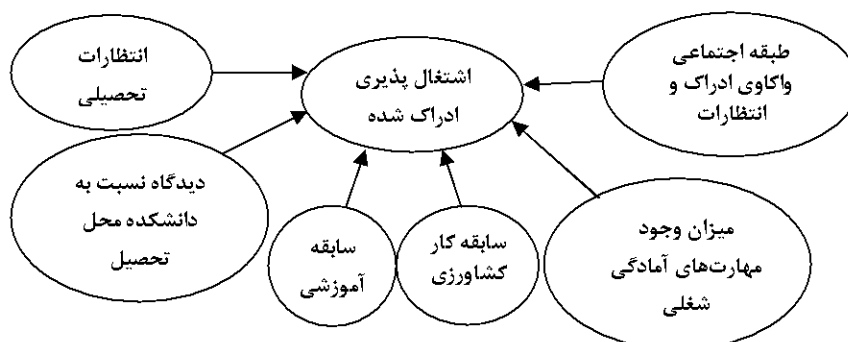
با توجه به پژوهش های مذکور، می توان اظهار داشت که تجربه ی کاری دانشجویان در اشتغال پذیری آنان تأثیر بسزایی خواهد داشت. سازمان علوم خاک و گیاه دانشگاه دلاوری^۱ نیز به این نتیجه دست یافت که کارفرمایان بر توسعه ی حرفه ای تأکید بیشتری داشته و بر اهمیت کارآموزی و تجربه ی عملی در مزرعه توافق بالاتری داشته اند (Berle, 2007).

یافته های دو دهه ی اخیر نیز بیانگر ارتباط مثبت بین سطح کیفیت آموزش فرد و توانمندی های وی برای ورود به بازار کار یا قدرت حل مسایل و تصمیم گیری صحیح است (MohamadzadeNasrabadi et al., 2006). از طرفی کیفیت آموزشی فرد تنها به دانش تخصصی منتهی نمی گردد، بلکه علاوه بر موارد مذکور، به مهارت ها و صلاحیت های عمومی وی نیز مرتبط می باشد. در پژوهشی که توسط Cartmell & Garton (2000) انجام شد نتایج نشان داد که برگزاری دوره های برنامه های

1 . Lord Diring

2 . delavery

است که در اکثر این پژوهش‌ها به بررسی ارتباط یک یا چند مورد از متغیرهای مذکور با اشتغال پذیری پرداخته شده است. ویژگی این پژوهش در مقابل تحقیقات گذشته این است که با استفاده از ادبیات موجود سعی شده تا ارتباط مجموعه‌ای از متغیرهای فوق با میزان اشتغال پذیری بررسی شود. با توجه به ادبیات تحقیق مورد بررسی در این بخش و دیدگاه نویسندگان پژوهش مذکور، چارچوب مفهومی ذیل را می‌توان ترسیم نمود.



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

قسمت تدوین شد، شامل: ۱- نامه همراه، ۲- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای، ۳- گویه‌های سنجش میزان اشتغال پذیری، انتظارات تحصیلی و دیدگاه نسبت به دانشگاه محل تحصیل (با تعدیل از پرسشنامه‌ی استاندارد Rothwell et al. (2008))، ۴- بخش توصیف مهارت‌های آمادگی شغلی که هدف از این بخش، آشنایی پاسخگویان با مفهوم و تعاریف مهارت‌های آمادگی شغلی از دیدگاه محقق با هدف درک صحیح از مهارت‌های مورد نظر توسط پاسخگویان بود و ۵- مقیاس سنجش میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی بود. به منظور اطمینان از روایی صوری^۱ و محتوایی^۲ پرسشنامه، اعضای هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه رازی و برخی از دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی پس از مطالعه عمیق سئوالات و گویه‌های پرسشنامه نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند که پس از مصاحبه حضوری با این افراد و بحث و بررسی در مورد دیدگاه‌های مطرح شده، اصلاحات ضروری انجام

تحصیل، انتظارات تحصیلی و دیدگاه نسبت به تحصیل در دانشکده نیز در این پژوهش، به عنوان پیش‌گو کننده‌های اصلی اشتغال پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان تأیید شدند. همانطور که از ادبیات بر می‌آید، تحقیقات بسیار محدودی در زمینه‌ی بررسی میزان اشتغال پذیری آنان و روابط آن با متغیرهای دیگر، خصوصاً در دانشجویان رشته کشاورزی صورت گرفته است. نکته قابل توجه این

با توجه به موارد فوق، هدف کلی این پژوهش، واکاوی ادراک و انتظارات دانشجویان کشاورزی از اشتغال پذیری رشته‌های کشاورزی در دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور بود.

مواد و روش‌ها

روش شناسی این پژوهش کمی، از جنبه هدف، کاربردی، و بر اساس میزان نظارت و درجه کنترل از نوع پژوهش‌های میدانی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش توصیفی- همبستگی شامل دانشجویان سال آخر (ورودی ۸۴) گرایش‌های مختلف دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه‌های دولتی غرب کشور (شامل: کردستان، کرمانشاه، ایلام، همدان و لرستان) بود که در کل حدود ۹۷۹ نفر را تشکیل دادند. حجم نمونه با استفاده از جدول Bartlett et al. (2001) ۲۷۴ نفر تعیین گردید. از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (برحسب دانشکده محل تحصیل و گرایش تحصیلی) بهره گرفته شد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای بود که با بهره‌گیری از پیشینه تحقیق، مبانی نظری و چارچوب مفهومی در پنج

1. Face validity
2. Content validity

گردید. در بسیاری از تحقیقات نیز از این شاخص‌ها استفاده شده است (Hejazi, 2004).

میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده دانشجویان کشاورزی جدول (۲)، میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده ی دانشجویان کشاورزی دانشکده های کشاورزی غرب کشور را نشان می دهد. مؤلفه های تشکیل دهنده ی مقوله ی مذکور، بر اساس میانگین رتبه ای (از بیشترین به کمترین) مرتب شده اند.

بر اساس جدول ۲، ۱۷/۸ درصد دانشجویان کشاورزی از نظر میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده در سطح پایین، ۶۸ درصد در سطح متوسط و ۱۴/۲ درصد در سطح بالا ارزیابی شده اند. به طور کلی، بر اساس یافته ها، می توان چنین نتیجه گرفت که میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده ی دانشجویان کشاورزی از رشته ی خود، تقریباً نزدیک به حد متوسط بوده است که لازم است در برنامه ریزی های آموزش کشاورزی توسط برنامه ریزان و مسئولان، بدان توجه جدی مبذول گردد. این یافته تا حدودی با نتایج تحقیق Rothwel et al. (2008) که میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده ی دانشجویان اقتصاد دانشگاه های انگلستان را در حد متوسطی ارزیابی نمودند، همخوانی دارد. اما نتایج تحقیقات دیگر، از جمله Berle (2007) که مشخص نمود دانش آموختگان کشاورزی دانشگاه دلاوری، از آمادگی کافی برای اشتغال برخوردار بوده، Rooney et al. (2006) که اشتغال‌پذیری دانش آموختگان جغرافیا در کشورهای ایتالیا، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، شیلی، جمهوری سابق استونی، یونان و اسپانیا، در حد بالایی ارزیابی کردند، تحقیق Cartmell & Garton (2000) که مؤید تأثیر برنامه های آموزش کشاورزی دانشگاه میسوری در آماده سازی کافی دانش آموختگان آن بوده و Suvedi & Heyboer (2004) که نشان دهنده ی رضایت کارفرمایان از آمادگی کافی دانش آموختگان دانشکده ی کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه ایالتی میشیگان و عملکرد شغلی آن‌ها در محیط کار بوده است، خلاء موجود در برنامه های آموزش کشاورزی و اشتغال‌پذیری رشته های کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی غرب ایران تا حد مطلوب را بارزتر می نمایند.

شد. جهت تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد (جدول ۱). از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط دانشجویان کشاورزی، ۲۵۳ فقره از آن‌ها بدون نقص و قابل استفاده بود (نرخ پاسخگویی ۹۲ درصد).
جدول ۱- ضرایب آلفای محاسبه شده

مقیاس	تعداد گویه	آلفا
میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده	۲۲	۰/۸۰
انتظارات تحصیلی	۵	۰/۷۳
دیدگاه نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل	۷	۰/۹۰
میزان وجود مهارت های آمادگی شغلی	۳۷	۰/۸۹

نتایج و بحث

ویژگی های فردی پاسخگویان

بر اساس یافته‌ها، ۴۷/۸ درصد از دانشجویان کشاورزی مورد مطالعه را پسران و ۵۲/۲ درصد آنان را دختران تشکیل داده‌اند. ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه بوعلی همدان، ۱۳ درصد در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه ایلام، ۱۳/۴ درصد در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه کردستان، ۲۰/۲ درصد در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه لرستان و ۲۶/۹ درصد مابقی در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه حضور داشتند. رشته‌ی تحصیلی ۲۶/۹ درصد از پاسخگویان، زراعت و اصلاح نباتات، ۱۶/۲ درصد علوم دامی، ۱۵/۸ درصد باغبانی و مابقی در رشته های گیاهپزشکی، مهندسی آب، ترویج و آموزش کشاورزی، ماشین های کشاورزی و خاکشناسی مشغول به تحصیل بودند. معدل دیپلم افراد مورد مطالعه به طور متوسط ۱۶/۷۹ تعیین شد. معدل کل دوره ی تحصیل در دانشکده برای ۵۷/۷۰ درصد افراد در دامنه ی ۱۵-۱۳ برآورد گردید. میانگین سابقه‌ی کار کشاورزی دانشجویان برخوردار از این سابقه‌ی کار در مزرعه حدوداً ۵ سال بوده در حالی که اکثر دانشجویان (۶۴/۴۲ درصد) هیچگونه سابقه کاری در مزرعه نداشته‌اند. به لحاظ طبقه‌ی اجتماعی نیز، اکثر دانشجویان کشاورزی مورد مطالعه (۶۷/۲ درصد)، به طبقه ی متوسط جامعه تعلق داشتند. شایان توجه است که متغیر طبقه‌ی اجتماعی بر اساس میزان درآمد ماهانه ی خانواده، سطح تحصیلات والدین و تعداد اعضای خانواده محاسبه

بنا به ادراک دانشجویان کشاورزی مورد مطالعه، ضرورت
تحصیل در رشته ی کشاورزی برای افراد علاقه مند به
اشتغال در حرفه های مرتبط با رشته ی کشاورزی
بیشترین میانگین رتبه ای را به خود اختصاص داده است

جدول ۲- میزان اشتغال پذیری ادراک شده دانشجویان کشاورزی

متغیر/ گویه	میانگین* (از ۵)	انحراف معیار	فراوانی (درصد)	
			پایین	متوسط بالا
میزان اشتغال پذیری ادراک شده	۲/۵۵	۰/۴۹	۱۷/۸	۶۸/۰
ضرورت تحصیل در رشته ی کشاورزی برای افراد علاقه مند به اشتغال در حرفه های مرتبط با رشته ی کشاورزی	۳/۵۳	۱/۱۰	۱۸/۲	۶۲/۱
اطمینان از برآورده نمودن انتظارات شغلی کارفرمایان در آینده	۳/۲۸	۱/۱۲	۲۲/۱	۶۵/۶
دادن اولویت اصلی به انجام فعالیت های درسی	۳/۱۲	۱/۱۶	۹/۱	۸۲/۲
کسب نمرات بالا از دروس دانشگاهی	۳/۰۶	۱/۱۴	۱۱/۱	۸۱/۴
اطمینان از موفقیت در مصاحبه های استخدامی و مراحل گزینش برای استخدام	۲/۹۳	۱/۰۸	۱۱/۹	۸۲/۲
جستجوی یک شغل خاص با مطلوبیت بالا به اقتضای مدرک تحصیلی کشاورزی	۲/۸۲	۱/۱۰	۱۱/۱	۶۱/۷
اعتبار بسیار زیاد دانشگاه محل تحصیل در زمینه ی رشته ی کشاورزی	۲/۸۱	۱/۱۳	۱۵/۸	۵۲/۶
آمادگی کافی به منظور ورود به بازار کار و احراز شغل مناسب پس از فارغ التحصیلی	۲/۷۷	۱/۲۰	۱۷/۴	۵۳/۴
توانایی دستیابی به شغل خوب و مناسب در آینده با توجه به دروس گذرانده شده در دانشگاه	۲/۵۵	۱/۰۱	۱۷/۸	۶۴/۴
بالا بودن تقاضا برای دانش آموختگان دانشگاه ها در زمان حاضر	۲/۵۴	۱/۲۴	۲۱/۷	۵۴/۲
انطباق و سازگاری مهارت و قابلیت های فرد با موارد مورد انتظار کارفرمایان	۲/۳۹	۱/۰۰	۲۱/۷	۶۶/۴
وضعیت مساعد کنونی آموزش کشاورزی در دانشگاه به منظور ایجاد توانایی ها و مهارت های لازم برای آمادگی فرد محیط کار	۲/۳۹	۱/۰۶	۲۲/۹	۶۰/۹
تأمین و تضمین امنیت شغلی آینده با تحصیل در رشته ی کشاورزی	۲/۳۹	۱/۱۶	۲۷/۷	۵۳/۸
زیاد بودن فرصت های شغلی در منطقه ی جغرافیایی مورد جستجو	۲/۳۵	۱/۱۰	۲۲/۵	۵۸/۱
نگرش مثبت جامعه نسبت به وضعیت شغلی دانش آموختگان کشاورزی	۲/۳۴	۱/۰۸	۲۴/۹	۵۸/۹
علاقه ی کارفرمایان به استخدام دانش آموختگان کشاورزی	۲/۳۲	۱/۰۱	۲۵/۳	۶۲/۱
تأثیر موقعیت دانشگاه در یافتن یک شغل مناسب	۲/۳۱	۱/۱۳	۲۸/۹	۵۳/۰
بالا بودن تقاضای نیروی کار برای مشاغل مربوط به رشته ی کشاورزی	۲/۲۶	۱/۱۳	۳۰/۸	۵۳/۰
توانایی بالا در جهت کشف فرصت های شغلی مرتبط با رشته ی کشاورزی	۲/۱۷	۰/۹۸	۲۵/۷	۶۴/۰
عدم وجود دغدغه ی فکری در جهت یافتن شغل متناسب با رشته ی کشاورزی در آینده	۲/۰۰	۱/۱۱	۰	۸۷/۷
اشتقاق کارفرمایان برای استخدام دانش آموختگان دانشگاه محل تحصیل	۱/۹۸	۰/۹۸	۴۰/۳	۲۸/۵
عدم مواجهه ی دانش آموختگان کشاورزی با مشکل اشتغال و بیکاری	۱/۹۰	۱/۰۲	۰	۷۴/۷

* مقیاس: کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵

خود در مصاحبه های استخدامی و مراحل گزینش برای استخدام، تا حدی مطمئن بودند که این مسئله، اهمیت توجه مسئولین دانشگاه ها را به برنامه های توسعه ی شغلی، از جمله مهارت های معرفی، تکمیل فرم درخواست، مهارت های مصاحبه و غیره مشخص می نماید. این امر در خصوص اقتضای مدرک کشاورزی برای پیگیری یک شغل خاص با مطلوبیت بالا، اعتبار بسیار زیاد دانشگاه محل تحصیل در زمینه ی رشته ی کشاورزی، آمادگی کافی به منظور ورود به بازار کار و

آموزش عالی کشاورزی در تربیت متخصصین کشاورزی و موفقیت آن ها در مشاغل مربوطه می باشد و این، اهمیت برنامه ریزی های آموزش کشاورزی را برجسته تر خواهد ساخت. با توجه به یافته ها، دانشجویان از برآورده نمودن انتظارات شغلی کارفرمایان در آینده ی خود، تا حدودی اطمینان داشته و اولویت اصلی را به انجام فعالیت های درسی می دادند. اکثر آن ها (۸۲/۲ درصد) میزان دستیابی خود به نمرات بالا از دروس دانشگاهی را در حد متوسطی ارزیابی نموده و از موفقیت

کار و توانایی ایجاد ارتباط از نظر میزان وجود در دانشجویان کشاورزی با کسب اولویت های اول تا دهم در بررسی وضعیت موجود، در حد متوسطی برآورد شده‌اند (میانگین حدود ۳ از ۵). این یافته گواه بر این است که از دید دانشجویان، مؤسسات آموزش عالی کشاورزی در غرب کشور، آن‌ها را تا حدودی با مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های فردی آمادگی شغلی آماده ساخته‌اند. شاید این امر به دلیل نظام ارتباطات رایج در بین عناصر اصلی مؤسسات آموزش عالی خصوصاً رابطه‌ی استاد-شاگردی و شکل‌گیری تشکلهای دانشجویی خاصی (هر چند در حد نوپا و ابتدایی) است که شرایط مساعدی را جهت تقویت هر چند ناکافی این گونه مهارت‌ها فراهم آورده‌اند. این امر می‌تواند خلاء و ظرفیت موجود برای گسترش و ارتقای مهارت‌های دانشجویان کشاورزی تا حد مطلوب را نشان دهد که در برنامه‌های آموزشی و راهبرد های دانشگاه بایستی مورد هدف قرار گیرند. از طرفی بر اساس نتایج این بخش مشخص گردید که برنامه ریزی و سازماندهی، توانایی کار با اینترنت، سواد اطلاعاتی، سواد رایانه‌ای، آشنایی با ابزار تولید و اشاعه دانش، درک موضوعات بین‌المللی، کارآفرینی، آگاهی سازمانی (درک سازمان محل کار، شناخت محدودیت‌ها، قدرت و هوشیاری سیاسی)، آشنایی با زبان انگلیسی و تجربه‌ی شغلی از جمله مهارت‌هایی هستند که میزان وجود آن‌ها در دانشجویان کشاورزی در حد کمی برآورد شده است (میانگین حدود ۲ از ۵). در تحقیقات دیگری نیز این کمبودها در مهارت‌های دانشجویان به اثبات رسیده است (Sharepur et al., 2001; De La Harpe, 2000; Raybould & Sheedy, 2005; Berle, 2007; Suvedi & Heyboer, 2004). این امر را احتمالاً بتوان در نارسایی دانشگاه‌ها در خصوص آموزش یک چنین مهارت‌هایی به دانشجویان خود و یا عدم توجه به اهمیت این مهارت‌ها در موفقیت شغلی دانشجویان در نزد آنان و دانشگاه، تفسیر کرد. یافته‌ی اخیر نشان‌دهنده‌ی آن است که دانشجویان کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور از لحاظ مهارت‌های مذکور با کمبود جدی مواجهه هستند. با توجه به این که اهمیت این مهارت‌ها در تحقیقات بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است (Rainsbury et al., 2002; Quek, 2005; Gurcharan Singh & Garib Singh, 2008; Albrecht, 1997; Liles

احراز شغل مناسب پس از فارغ التحصیلی، توانایی دستیابی به شغل خوب و مناسب در آینده با توجه به دروس گذرانده شده در دانشگاه و بالا بودن تقاضا برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در زمان حاضر، نیز تا حدودی وجود داشته است. بیشترین پراکنش در گزینه‌ی اخیر به چشم می‌خورد که تا حدی مبین تفاوت ادراک و دیدگاه‌های دانشجویان دانشکده‌های مختلف نسبت به سطح تقاضای جامعه‌ی امروزی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی است. با توجه به یافته‌ها، عدم وجود دغدغه‌ی فکری دانشجویان کشاورزی در جهت یافتن شغل متناسب با رشته‌ی کشاورزی در آینده، اشتیاق کارفرمایان برای استخدام دانش‌آموختگان دانشگاه محل تحصیل آنان و عدم مواجهه‌ی دانش‌آموختگان کشاورزی با مشکل اشتغال و بیکاری با کمترین میانگین‌های رتبه‌ای در پایین جدول قرار گرفته‌اند. با وجود این، هیچ‌یک از آن‌ها، از دغدغه‌ی فکری زیادی برای یافتن شغل متناسب با رشته‌ی تحصیلی خود برخوردار نبوده بلکه اکثراً تا حدودی برای آینده‌ی شغلی خود نگران بوده‌اند (۸۷/۷ درصد). این یافته در خصوص مشکل اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی نیز به چشم می‌خورد. با این حال، ۴۰/۳ درصد از دانشجویان کشاورزی معتقد بودند که کارفرمایان برای استخدام دانش‌آموختگان دانشگاه محل تحصیل آنان، اشتیاق چندانی ندارند و این می‌تواند به نوع نگرش و دیدگاه آنان نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود مرتبط باشد که اقدامات لازم در جهت بهبود آن را می‌طلبد.

میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی دانشجویان کشاورزی

میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی دانشجویان کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه‌های غرب کشور برای ورود به بازار کار بر اساس نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفت که بر مبنای میانگین و انحراف معیار در جدول (۳) رتبه‌بندی شده است.

بر اساس مندرجات جدول (۳)، مهارت‌هایی از جمله: کار با افراد دارای نگرش‌ها و عقاید متفاوت، علاقه به نظم، کیفیت و دقت، ارتباطات بین فردی، درک بین فردی، انرژی و هیجان، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، تأثیر و نفوذ بر دیگران، جدیت و استقامت در

دانشجویان آموزش عالی یکی از راهبردهای اصلی و مهم هر کشوری محسوب می گردد. بنابراین، هر کمبود جدی در این مهارت‌ها بایستی مرتفع شود. در کل، میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی دانشجویان کشاورزی با میانگین کلی ۳/۱۲ و انحراف معیار ۰/۵۰ در حد متوسطی برآورد شد.

(Mustian, 2004) و از آن جایی که امروزه اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد دانش محور جدید شاهد تغییرات عمیق و اساسی است و مهارت‌های آمادگی شغلی عمومی به عنوان سرمایه های انسانی، عنصر بسیار مهمی در این اقتصاد را تشکیل می دهند، لذا، توجه کافی به این گونه مهارت‌ها و گسترش و ارتقای آنان در

جدول ۳- رتبه بندی میزان وجود مهارت های آمادگی شغلی در دانشجویان کشاورزی

مؤلفه	رتبه	میانگین*	انحراف معیار
کار با افراد دارای نگرش ها و عقاید متفاوت	۱	۳/۸۰	۱/۰۰
علاقه به نظم، کیفیت و دقت	۲	۳/۵۰	۱/۱۰
ارتباطات بین فردی	۳	۳/۴۶	۱/۰۰
درک بین فردی	۴	۳/۴۲	۰/۹۵
انرژی و هیجان	۵	۳/۴۲	۱/۰۴
انعطاف پذیری	۶	۳/۴۰	۱/۰۴
مسئولیت پذیری	۷	۳/۳۹	۱/۰۳
تأثیر و نفوذ بر دیگران	۸	۳/۳۷	۱/۰۰
جدیت و استقامت در کار	۹	۳/۳۵	۰/۹۶
ایجاد ارتباط	۱۰	۳/۳۵	۱/۰۳
اعتماد به نفس	۱۱	۳/۳۲	۱/۰۶
رهبری	۱۲	۳/۲۷	۱/۰۳
فهم فرهنگی	۱۳	۳/۲۶	۰/۹۷
توانایی جمع آوری، سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات	۱۴	۳/۲۳	۰/۹۵
تمایل و آمادگی برای یادگیری مستمر	۱۵	۳/۲۳	۰/۹۹
اخلاق حرفه ای	۱۶	۳/۲۰	۰/۹۸
کار گروهی و همکاری	۱۷	۳/۲۰	۰/۹۸
قدرت تصمیم گیری	۱۸	۳/۱۸	۱/۰۰
حل مسئله	۱۹	۳/۱۵	۱/۰۲
ارتباطات نوشتاری	۲۰	۳/۱۴	۱/۰۰
تمایل به پیشرفت	۲۱	۳/۱۳	۱/۰۵
خدمت رسانی به ارباب رجوع	۲۲	۳/۱۰	۰/۹۷
تعهد سازمانی	۲۳	۳/۰۹	۱/۰۲
تفکر تحلیلی	۲۴	۳/۰۸	۰/۹۶
پیش گام بودن	۲۵	۳/۰۳	۰/۹۹
تفکر مفهومی	۲۶	۳/۰۲	۰/۹۲
تخصص فنی	۲۷	۳/۰۲	۲/۶۹
برنامه ریزی و سازماندهی	۲۸	۲/۹۸	۰/۹۵
توانایی کار با اینترنت	۲۹	۲/۹۴	۰/۹۸
سواد اطلاعات	۳۰	۲/۸۸	۰/۹۵
سواد رایانه ای	۳۱	۲/۸۸	۰/۹۸
آشنایی با ابزار تولید و اشاعه دانش	۳۲	۲/۸۶	۰/۹۳
درک موضوعات بین المللی	۳۳	۲/۷۴	۰/۹۴
کارآفرینی	۳۴	۲/۶۹	۰/۹۶
آگاهی سازمانی	۳۵	۲/۶۷	۰/۹۰
آشنایی با زبان انگلیسی	۳۶	۲/۵۴	۰/۹۸
تجربه ی شغلی	۳۷	۲/۴۰	۱/۱۶

* مقیاس: خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵

میزان انتظارات تحصیلی و دیدگاه دانشجویان
کشاورزی نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود
جدول (۴)، نشان‌دهنده‌ی میزان انتظارات
تحصیلی و دیدگاه دانشجویان کشاورزی
نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود
می‌باشد.

جدول ۴- میزان انتظارات تحصیلی و دیدگاه دانشجویان کشاورزی نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود

متغیر	میانگین از ۵	انحراف معیار	فراوانی (درصد)		
			پایین	متوسط	بالا
انتظارات تحصیلی	۳/۳۸	۰/۶۷	۱۵/۴	۶۸/۸	۱۵/۸
دیدگاه نسبت به دانشکده	۲/۴۹	۰/۹۳	۱۸/۶	۶۲/۸	۱۸/۶

در خصوص دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور، می‌تواند تا حدی به نحوه‌ی عملکرد این دانشکده‌ها و اعتبار آن‌ها در مقابل سایر دانشگاه‌های دولتی کشور از دید عموم و دیدگاه دانشجویان آن‌ها مرتبط بوده که اهمیت توجه به ارتقای درجه و اعتبار این دانشکده‌ها را برای مسئولین آن با حمایت و اتخاذ راهبردهای جدید رشد و توسعه و همچنین تشریح یا وضوح عملکرد آن برای دانشجویان طی برنامه‌ها و جشنواره‌های سالانه از گزارش عملکرد، موفقیت و دستاوردهای دانشگاه مذکور، روشن می‌گرداند.

ارتباط بین متغیرهای مستقل پژوهش و میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده

به منظور پی بردن به ارتباط بین متغیرهای مستقل پژوهش و میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان کشاورزی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. که نتایج آن در جدول (۵) ملاحظه می‌شود.

جدول ۵- رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان کشاورزی

متغیر مستقل	مقدار r	سطح معنی داری
سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه	۰/۱۱۴	۰/۰۳۵*
انتظارات تحصیلی	۰/۵۳۳	۰/۰۰۰***
دیدگاه نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل	۰/۴۷۶	۰/۰۰۰***
میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰***
سابقه‌ی آموزشی	۰/۰۶۷	۰/۱۴۳
طبقه‌ی اجتماعی	-۰/۲۰۵	۰/۰۰۱***

** معنی داری در سطح ۱ درصد * معنی داری در سطح ۵ درصد

بر اساس جدول (۴)، ۱۵/۸ درصد پاسخگویان از انتظارات تحصیلی بالایی برخوردار بوده، ۶۸/۸ درصد از انتظارات تحصیلی متوسط و مابقی از این نظر در سطح پایینی قرار گرفته‌اند (۱۵/۴ درصد). به طور کلی، بر اساس میانگین ۳/۳۸ از ۵ و انحراف معیار ۰/۶۷ می‌توان نتیجه گرفت که انتظارات تحصیلی دانشجویان کشاورزی از خود در حد متوسطی بوده است. از آن جایی که این انتظارات در واقع در جهت دستیابی به موفقیت تحصیلی در دوره‌ی دانشجویی و به موازات آن آینده‌شغلی مطمئن پس از فارغ‌التحصیلی است لذا، نتیجه‌ی فوق‌حاکمی از آن است که رضایت دانشجویان از پیشرفت تحصیلی خود در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ی مهارت‌های جدید در طول دوران تحصیل و تأمین انتظارات واقعی از تحصیل در رشته‌ی کشاورزی برای آینده‌ی شغلی خود، چندان کافی نبوده است که لازم است به هر جهت در برنامه‌ریزی‌های آموزش کشاورزی به این امر مهم در طی دوران تحصیل توجه بیشتری مبذول گردد تا بتواند رضایت دانشجویان و انتظارات معقول آن‌ها را در این زمینه جلب نماید.

از طرفی مطابق جدول فوق، ۱۸/۶ درصد از دانشجویان دانشجویان از دیدگاه مطلوبی نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود برخوردار بوده، دیدگاه ۶۲/۸ درصد از آنان در حد متوسط و مابقی در حد نامطلوب و یا پایینی بوده است (۱۸/۶ درصد). به طور کلی، بر اساس میانگین ۲/۴۹ از ۵ و انحراف معیار ۰/۹۳ می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه دانشجویان کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل خود چندان مناسب نمی‌باشد. این موضوع

معنا که دانشجویانی که دیدگاه و نگرش مثبت و بهتری به دانشکده‌ی محل تحصیل خود داشته اند، از میزان اشتغال پذیری ادراک شده‌ی بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند. چرا که این دیدگاه مثبت به تلاش آنان در جهت بهره‌گیری از پتانسیل‌های دانشکده در جهت آمادگی شغلی بهتر و بیشتر برای ورود به بازار کار آینده، جهت درست و نیروی بیشتری می‌دهد.

بین میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی و میزان اشتغال پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان نیز رابطه‌ی مثبت و معناداری به دست آمد. به این معنی که هر اندازه آنان به مهارت‌های آمادگی شغلی تسلط بیشتری داشته باشند، دارای اشتغال پذیری ادراک شده‌ی بالاتری نیز خواهند بود. این امر کاملاً منطقی است. چرا که تسلط بر مهارت‌های آمادگی شغلی و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها نشان دهنده‌ی آمادگی شغلی بالاتر دانشجویان برای ورود به بازار کار و بقای در آن خواهد بود. این یافته، اعتقاد Harvey (2000) را در خصوص اهمیت آموزش برای اشتغال پذیری با تأکید بر توسعه‌ی مهارت‌های کلیدی مورد تأیید قرار می‌دهد. از طرفی، مطالعات دیگری در این زمینه صورت گرفته که گویی نتایج این تحقیقات، همگی هم دیگر را تأیید می‌کنند.

از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعات Jakson (2007)، Moreau & Leathwood (2005)، Pezeshki Rad et al. (2006)، Ebay et al. (2003)، Prussia et al. (2001) اشاره کرد. خلاصه نتایج این مطالعات بدین ترتیب است که: (۱) مهارت‌های کسب و کار از جمله مهارت‌هایی هستند که به اشتغال پذیری بهتر کمک خواهند کرد، (۲) رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین محتوای آموزشی به لحاظ دانش، نگرش و مهارت با توانمندی شغلی دانش‌آموختگان وجود دارد، (۳) مهارت‌های دانش‌آموختگان و ویژگی‌های شخصی آنان، کلیدی برای موفقیت آن‌ها در بازار کار است، اما عوامل دیگری نیز بر فرصت‌های موجود اثر خواهند داشت، (۴) معلومات حرفه‌ای و مهارت‌های عمومی افراد جویای کار به عنوان یکی از عناصر مهم اشتغال پذیری، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با موفقیت در جستجوی شغل دارد، (۵) سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی می‌تواند به عنوان یک صدمه‌گیر برای اعتماد به نفس افراد اشتغال پذیر

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین سابقه‌ی کار کشاورزی دانشجویان در مزرعه و میزان اشتغال پذیری ادراک شده‌ی آنان رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. می‌توان چنین اظهار نمود که هر اندازه سابقه‌ی کار کشاورزی دانشجویان در مزرعه بیشتر باشد، به دلیل کسب تجربه، آشنایی و تسلط بیشتر به محیط کار واقعی، درک آن‌ها از میزان آمادگی شغلی خویش برای ورود به بازار کار آینده افزایش می‌یابد. این در حالی است که Harvey (2000) نیز اهمیت آموزش برای اشتغال پذیری را با تأکید بر تجربه‌ی کار مورد تأیید قرار داده است. از طرفی، بر اساس پژوهش Kagaari (2007) بر روی دانشجویان، دانش‌آموختگان و ناظران، کارآموزی عملی، برنامه‌ی درسی و کارورزی در آمادگی دانش‌آموختگان برای رویارویی با چالش‌های شغلی یا اشتغال پذیری، مناسب شناخته شدند. در پژوهش Berle (2007) نیز کارفرمایان بر اهمیت کارآموزی و تجربه‌ی عملی در مزرعه توافق بالایی داشته‌اند. به زعم Berle (2007)، اعتقاد عمده‌ی کارفرمایان به این بوده که دوره‌های کارآموزی، مهارت‌های ارتباطات، آماده‌سازی، مدیریت زمان و استقلال دانشجویان را پرورش خواهد داد، علاوه بر آن، مفید بودن تجربه‌ی کارآموزی توسط دانش‌آموختگان نیز تأیید شد. از این رو، فراهم آوردن فرصت‌های کار در محیط‌های واقعی از طریق کارآموزی، تعاونی‌های دانشجویی و انجام پروژه‌های میدانی در حین تحصیل (که ارتباط واقعی دانشجویان با کارفرمایان را فراهم می‌کنند)، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

از طرفی، بین انتظارات تحصیلی و میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان کشاورزی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود داشته است. به تعبیر دیگر، می‌توان چنین ادعا نمود که دانشجویانی که انتظارات تحصیلی بالاتری را برای خود تعریف کرده‌اند، به دلیل تلاش بیشتر در جهت تأمین این انتظارات بالا و دستیابی به اهداف خویش، از اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی بالاتری نیز برخوردار باشند.

دیدگاه دانشجویان نسبت به دانشکده‌ی محل تحصیل نیز با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی آنان دارای همبستگی مثبت و معناداری بوده است. بدین

اشتغال‌پذیری ادراک شده، انتظارات تحصیلی و میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی در حد متوسطی قرار داشته و از دیدگاه چندان مناسبی در خصوص دانشکده‌ی محل تحصیل خود برخوردار نیستند. در کل، بین میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی، انتظارات تحصیلی، سابقه‌ی کار کشاورزی در مزرعه و دیدگاه دانشجویان نسبت به دانشکده‌ی خود با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده، رابطه‌ی مثبت و بین طبقه‌ی اجتماعی و میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان رابطه‌ی منفی و معنی‌داری حاصل گردید.

بر اساس نتایج مذکور، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

(۱) با توجه به آن که میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان کشاورزی از رشته‌ی خود، نزدیک به حد متوسط ارزیابی گردید، پیشنهاد می‌شود که جلسات توجیهی در قالب مجمع عمومی متشکل از دانشجویان کشاورزی، اساتید و کارفرمایان، در آغاز هر سال تحصیلی برای دانشجویان کشاورزی برگزار گردد که این امر منجر به ادراک درست دانشجویان از رشته‌ی تحصیلی خود و در نتیجه تلاش بیشتر آنان در جهت ارتقای اشتغال‌پذیری و بهره‌گیری حداکثر از فرصت‌های موجود تا حد مطلوب شده و امید به آینده را در آن‌ها افزایش خواهد داد.

(۲) با توجه به آن که میزان وجود مهارت‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی، توانایی کار با اینترنت، سواد اطلاعات، سواد رایانه‌ای، آشنایی با ابزار تولید و اشاعه دانش، درک موضوعات بین‌المللی، کارآفرینی، آگاهی سازمانی، آشنایی با زبان انگلیسی و تجربه‌ی شغلی در دانشجویان کشاورزی در حد کمی برآورد شد، لذا، توصیه می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش عالی، تمهیدات لازم را جهت ارتقای مهارت‌های مذکور تا حد مطلوب و مؤثر در دانشجویان کشاورزی، بیندیشند. در این خصوص موارد زیر توصیه می‌شود:

- طراحی و راه‌اندازهای سایت‌های علمی دانشگاهی حاوی مطالب تخصصی هر رشته، اطلاعات عمومی، برنامه‌های آمادگی شغلی و توسعه‌ی شخصی و معرفی سایت‌های مرتبط در دانشگاه‌های سراسر جهان - به منظور آشنایی دانشجویان با تجارب و برنامه‌های اشتغال‌پذیری آنان. که نه تنها در ارایه‌ی برنامه‌های

در دوران بیکاری عمل نماید و ۶) سرمایه‌ی انسانی، شبکه‌سازی (سرمایه اجتماعی) و میزان جستجوی شغل با دستیابی به شغل جدید ارتباط مثبتی دارند. بنابراین می‌توان به یک نتیجه‌گیری کلی رسید و آن هم این است که: مهارت‌های آمادگی شغلی یکی از عناصر مهم اشتغال‌پذیری و یا به تعبیر ما، بعد درونی اشتغال‌پذیری است.

از طرفی، نتایج نشان دهنده‌ی عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین سابقه‌ی آموزشی با اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان است. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر از میانگین معدل دیپلم و معدل کل دوره‌ی تحصیل در دانشگاه به عنوان سابقه‌ی آموزشی بهره گرفته شد. در نتیجه، یافته‌ی اخیر با نتیجه‌ی تحقیق Pezeshki Rad et al. (2005) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین معدل با اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی فنی و حرفه‌ای، منطبق است.

طبقه‌ی اجتماعی از جمله متغیرهایی است که رابطه‌ی منفی و معنادار آن با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی دانشجویان کشاورزی از نظر آماری تأیید شد. با این تفسیر که دانشجویان طبقات پایین‌تر جامعه از آمادگی شغلی بالاتری برای ورود به بازار کار برخوردار هستند. شاید دلیل احتمالی این امر این باشد که دانشجویان طبقات پایین جامعه به دلیل اتکای بیشتر به خود تا خانواده، انگیزه‌ی بیشتری برای برطرف نمودن نیازهای خود داشته و در نتیجه تلاش بیشتری را در جهت ارتقای آمادگی شغلی خویش به منظور افزایش دادن شانس کسب شغل می‌ذول داشته و از آمادگی شغلی بالاتری نیز برخوردار گردند. یافته‌ی اخیر بر خلاف نتیجه‌ی تحقیق Rothwell et al (2008) مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین طبقات اجتماعی به لحاظ میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده است. در حالی که Moreau & Leathwood (2006) معتقدند که طبقه‌ی اجتماعی بر توانایی دانش‌آموختگان در دستیابی به فرصت‌های موجود برای موفقیت در بازار کار اثر خواهد داشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی غرب کشور از نظر

کار کشاورزی دانشجویان در مزرعه و میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده‌ی آنان، فراهم آوری فرصت کار بیشتر در محیط‌های واقعی کار توسط مسئولان دانشگاه بوسیله‌ی کارآموزی و تشکیل تعاونی‌های دانشجویی پیشنهاد می‌شود.

۴) با توجه به وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی، انتظارات تحصیلی و دیدگاه دانشجویان نسبت به دانشکده‌ی خود با میزان اشتغال‌پذیری ادراک شده پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از طرق مختلف، به ارتقاء آنان همت گمارند.

آمادگی شغلی گام به گام به دانشجویان مفید است، بلکه استفاده از آن، مهارت‌های آشنایی با ابزار تولید و اشاعه دانش، سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعات، توانایی کار با اینترنت و زبان انگلیسی کاربران را نیز ارتقاء خواهد داد.

- توجه اساتید به کاربرد روش‌های ابتکاری و جدید به منظور استفاده از رایانه در کلاس‌های درس، تشویق دانشجویان به استفاده از اینترنت برای دریافت و دستیابی به اطلاعات بیشتر و ارتباط با دانشجویان از طریق پست الکترونیک به منظور کمک به بهبود مهارت‌های آمادگی شغلی مذکور در دانشجویان.

۳) به دلیل رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین سابقه‌ی

REFERENCES

1. Aghasizade, F. (2006). *Employment of agricultural graduates: Necessitudes and solutions*. Retrieved July 1 2007, from <http://www.aeea.ir> (In Farsi)
2. Albrecht, S. (1997). Us educators look to the big picture. *Australian Accountant*, 67(4): 52-54.
3. Azizi, b., & Hoseyni, M. (2006). Role of education and intrepereneurtial development in system of agricultural higher education. *Jahad*, 274: 165-182. (In Farsi)
4. Bartlett, J. E.; Kotrlík, J. W., & Higgins, C. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1): 43-50.
5. Berle, D. (2007). Employer preferences in landscape horticulture graduates: Implicatopns for college programs. *NACTA Journal*, 51(1): 21-25.
6. Bridgstock, R. (2009). The graduate attributes we've overlooked: Enhancing graduate employability through career management skills. *Higher Education Research & Development*, 28(1): 31-44.
7. Cartmell, D.D., & Garton, L.B. (2000). An assessment of agricultural education graduates preparation. *In proceedings of the 27 Annual National Agricultural Educations Research Conference*. Retrieved from: www.aiaee.org
8. De La Harpe, B., Radloff, A., & Wyber, J. (2000). Quality and generic (professional) skills. *Quality in Higher Education*, 6(3): 231-243.
9. Eby, L.T., Butts, M., & Lockwood, A. (2003). Predictors of success in the era of the boundaryless career. *Journal of Organizational Behavior*, 24(6), 689.
10. Fugate, M., Kinicki, A. J., & Ashforth, B. E. (2004). Employability: A psycho-social, construct, its dimensions and applications. *Journal of Vocational Behavior*, 65(1), 14-38.
11. Gurcharan Singh, G. K., & Garib Singh, S. K. (2008). Malaysian graduates' employability skills. *UNITAR E-Journal*, 4(1): 14-44.
12. Hodges, D., & Burchell, N. (2003). Business graduate competencies: Employers' views on importance and performance. *Asia-pacific Journal of Cooperative Education*, 4(2): 16-22.
13. Harvey, L. (2000). New realities: The relationship between higher education and employment. *Tertiary Education and Management*, 6: 3-17.
14. Hejazi, Y. (2004). Role of economic-social factors in educational success and present function of agricultural students of Tehran University. *Letter of Social Sciences*, 33: 27-42. (In Farsi)
15. Hillage, J., & Pollard, E. (1998). *Employability: Developing a framework for policy analysis*, EfEE Research Briefing No.85. Institute for Employment Studies. Retrieved from: <http://www.dfes.gov.uk/research/programmeofresearch/projectid=12855&resutspage=1>
16. Jakson, V. (2007). An insight into the career paths and employability of humanities graduates. *Journal of Employability and Humanities*, 1: 1-12.
17. Jalali, Kh. (2003). Regulation of graduate employment of agricultural and natural resources. *Quarterly Periodical of Agricultural Engineering System and Natural Resources*, 2: 19-23. (In Farsi)
18. Kagaari, J.R.K. (2007). Evaluation of the effects of vocational choice and practical training on students' employability. *Journal of European Industrial Training*, 31(6): 449-471.

19. Kamsah, M.Z. (2008). *Developing generic skills in classroom environment: Engineering students' perspective*. Retrieved January 4 2008, from: <http://www.csl.utm.my/research/pdf/rt103.pdf>
20. Liles, R.T., & Mustian, R.D. (2004). Core competencies: A systems approach for training and organizational development in extension. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 10(2): 77-82.
21. Mason, G., Williams, G., & Cranmer, S. (2009). Employability skills initiatives in higher education: What effects do they have on graduate labour market outcomes? *Education Economics*, 17(1): 1-30.
22. McArdle, S., Waters, L., Briscoe, J. P., & Hall, D. T. (2007). Employability during: unemployment Adaptability, career identity and human and social capital. *Journal of Vocational Behavior*, 71, 247-264.
23. McQuid, R.W., & Lindsay, C. (2005). The concept of employability. *Urban Studies*, 42(2): 197-219.
24. Mirkamali, M. (1993). Assessment of Graduate abilities, *Research and Planning in Higher Education*, 4: 14-37. (In Farsi)
25. Mohamadzade Nasrabadi, M., Pezeshki Rad, Gh., & Chizari, M. (2006). Status of employment, career ability and work achievement of Technical and Vocational Agriculture graduates. *Research and Planning in Higher Education*, 12(39): 79-98. (In Farsi)
26. Momeni Mahmui, H. (2008). Planning Basis on competency in higher education: A step toward employment of graduates. *Ruyesh Journal*, 19. (In Farsi)
27. Moreau, P., & Leathwood, C. (2006). Graduates' employment and the discourse of employability: A critical analysis. *Journal of Education and Work*, 19(4): 305-324.
28. Morley, L. (2007). The x factor: Employability, elitism and equity in graduate recruitment. *Twenty-first Century Society*, 2(2): 191-207.
29. Patterson, A., & bell, J.W. (2001). Teaching and learning generic skills in universities: The case of sociology in a teacher education programmer. *Teaching in Higher Education*, 6(4): 451-471.
30. Pezeshki Rad, Gh., Mohamadzade Nasrabadi, M., & Bruening, T. (2005). An assessment of vocational and technical higher education effect on employment in the northwestern provinces, Iran, *AIAEE proceeding of the 21st Annual Conference*, San Antonio, TX. : 420-430.
31. Prussia, G.E., Fugate, M., & Kinicki, A.j. (2001). Explication of the coping goal construct: Implications for coping and reemployment. *Journal of Applied Psychology*, 86(6): 1179-1190.
32. Quek, A.H. (2005). Learning for the workplace: A case study in graduate employees' generic competencies. *Journal of Workplace Learning*, 17(4): 231-242.
33. Raybould, I., & Sheedy, V. (2005). Are graduates equipped with the right skills in the employability stakes? *Industrial and Commercial Training*, 37(5): 259-263.
34. Rainsbury, E., Hodges, D., Burchell, N., & Lay, M. (2002). Ranking workplace competencies: Student and graduate perceptions, *Asia- pacific Journal of Cooperative Education*, 3(2): 8-18.
35. Rooney, P., Kneale, P., Kieffer, A., Vandrasek, B., & Gedye, Sh. (2006). Variations in international understandings of employability for Geography. *Journal of Geography in Higher Education*, 30(1): 133-145.
36. Rothwell, A., Herbert, I., & Rothwell, F. (2008). Self- perceived employability: Construction and initial validation of scale for university students. *Journal of Vocational Behavior*, 73: 1-12.
37. Salehi, S., & Baradaran, M. (2006). Solutions of applying entrepreneurship in agricultural education, *Jahad*, 274: 183-205. (In Farsi)
38. Sharepur, m., Salehi, S., & Fazeli, M. (2001). *Abilities and core competencies of higher education graduates (with experiential study in many country universities)*. Research project (32), Tehran: Institute of Research and Planning in Higher Education Inc., Iran. (In Farsi)
39. Suvedi, M., & Heyboer, G. (2004). Perceptions of recent graduates and employers about undergraduate programs in the college of agriculture and natural resources at Michigan state university: A follow-up study. *NACTA Journal*, 48(1): 22-27.
40. Tome, E. (2007). Employability, skills and training in Portugal (1988-2000): Evidence from official data. *Journal of European Industrial Training*, 31(5): 336-357.

